

فضای تهی؛ محل تجلی و ادراک معنا در معماری اسلامی

(بررسی تأثیرگذاری فضاهای تهی بر روی مخاطب، مبتنی بر آرای ملاصدرا)

چکیده

فضاهای تهی دارای هویتی فعال و قدرتمند در معماری است. فضاهای تهی با خالی کردن خود از ماده، زمینه تجلی معنا را فراهم می‌سازد و ادراک معنا بر روی مخاطب تأثیر می‌گذارد. ملاصدرا ماده را عجین با عدم می‌داند، که ادراک حسی را شامل می‌شود. وی حواس را در عیان ساختن واقعیت خارجی ناتوان می‌داند. در واقع، ارجح به فضاهای تهی، ارجح به غیرماده است. در این ساحت است که می‌توان تفکرات ملاصدرا را در باب ادراک با مباحث معماری انطباق داد. این پژوهش از نوع کیفی و بین‌رشته‌ای است که با روش تطبیقی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی انجام شده است. نتایج حاکی از این است که فضاهای تهی محل تجلی معانیست و می‌تواند بر مخاطب خود تأثیر بگذارد. با تطبیق دیدگاه‌های ادراکی ملاصدرا با معانی موجود در فضای تهی، درمی‌یابیم که فضای تهی به دلیل مجردبودن از ماده، امکان بروز معانی و ادراک را فراهم می‌کند؛ که به صورت ناخودآگاه (ضمنی) و خودآگاه (صریح) بر مخاطب تأثیر می‌گذارد. در نظر ملاصدرا سیر در فضاهای تهی مانند نوعی حرکت از ظاهر تا باطن می‌ماند که مخاطب متوجه نوعی ادراک ضمنی است و وی را به سمت معنا (کمال) است، هدایت می‌کند.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین جایگاه معنایی فضاهای تهی در معماری و نحوه تأثیرات گذاریش بر مخاطب.
۲. پیوند و انطباق آرای فلسفی ملاصدرا در باب ادراک، با ادراک معنا در فضاهای تهی معماری.

سؤالات پژوهش:

۱. تأثیرات معنایی فضاهای تهی بر روی مخاطب چگونه است؟
۲. دیدگاه فلسفی ملاصدرا در باب ادراک، به چه نحوی با درک معنا در فضای تهی قابل انطباق است؟

کلیدواژه‌ها: فضای تهی، ملاصدرا، ادراک، معنا، تأثیر خودآگاه و ناخودآگاه.

مقدمه

در بین فضاهای معماری، فضاهایی وجود دارند که لزوماً عملکرد مشخصی ندارند، اما از طرف مخاطب با آن حس همدلی و یگانگی می‌شود. نوع ادراک و عملکرد این‌گونه فضاها توسط استفاده‌کننده تعریف می‌شود. این‌گونه فضا متأسفانه در معماری امروز اهمیت خود را از دست داده‌اند. انسان سنتی در فضا زندگی می‌کند، نه در آن اسیر شده است و نه قصد اسارت‌گرفتن و چیرگی بر آن را دارد، و می‌تواند و باید خود را تا فراتر از ساحت‌های مادی و مرزهای فضا و زمان فیزیکی رشد دهد (نقره‌کار، ۱۳۹۷: ۴۷۹). اما آنچه که در معماری زمان ما، مورد غفلت قرار گرفته شده است، فضای تهی‌ست؛ بنابر نظر نصر تهی‌بودن و خالی‌بودن به سبب ترادف با حضور الهی و حیات باطنی، تقدس فضا را باعث می‌شود (نصر، ۱۳۷۵). فضای تهی در معماری ایرانی جلوگر جمال حقیقت عالم است، و هدف اصلیش کشاندن انسان به محضر خداست (بدیعی، ۱۳۸۱: ۱۸). بنیادی‌ترین قلمروی مرتبط با انسان، ساحت معنوی عالم است. فضاهای تهی جز اصیل‌ترین فضاهای معماری بوده است که حامل معانی و مفاهیمی است؛ که مخاطب با ادراک این معانی به‌صورت خودآگاه و ناخودآگاه تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد.

ملاصدرا وجود هر کالبدی را ناشی از ماده و ادراک آن کالبد می‌داند، این موضوعی است که متأسفانه در معماری امروز نادیده گرفته شده است (رئیس‌زاده، ۱۳۸۳). آنچه که از ادراک معماری کنونی انتظار می‌رود، مربوط به جنبه‌های عملکردیست، اما همین جنبه عملکردی درست نقش خود را ایفا نکرده است، به این دلیل که عملکرد فقط در امور مادی خلاصه نمی‌شود، زیرا اساساً انسان ناشی از دو ساحت مادی و روحی توأمان است، و ساحت روحی مربوط به فضای تهی می‌باشد. موفقیت یک اثر معماری زمانی است که فضا حالت خنثی نداشته و با ادراک معنای فضا به‌صورت خودآگاه و ناخودآگاه ناظر خود را متأثر سازد. فضای تهی در معماری اسلامی به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که ناظر را دعوت به تجربه حرکت از درجات پایین تا به درجات عالی‌تر می‌نماید. به‌طوری‌که مراتب تکاملی انسان در حکمت صدرایی، قابل انطباق با مراحل حرکت در معماری می‌باشد. ناظر با حرکت در فضای معماری در پی رسیدن به کمال است.

تحقیقات متعددی در حوزه فضای تهی صورت گرفته است، صنعتی (۱۳۹۳) در مقاله «حیاط، تقدیر ناساخته‌ها»، به بررسی حیاط به‌عنوان یکی از انواع فضاهای تهی پرداخته است و معتقدست فضای پر و خالی در رابطه‌ای تنگاتنگ می‌توانند هر دو جنبه وجودی اثر هنری یعنی فرم و محتوا را بیان کند. رئیس‌زاده (۱۳۸۳) در کتاب خویش آورده است که فضاهای تهی همان فضاهای در معماری هستند که بدون داشتن هیچ عملکرد مشخصی، باعث انتقال مفاهیم مختلف به افراد در جامعه می‌شود. نصر (۱۳۷۵) درهم‌تنیدگی فضاهای تهی و پر را یکی از ویژگی‌های هنر اسلامی می‌داند که حائز معناست و جایی دیگر اذعان دارد: معماران مسلمان که کار خود را مبتنی بر معنای مثبت فضای تهی در تفکر دینی اسلامی می‌ساختند. نقره‌کار (۱۳۹۳) در کتاب خود در سیر کثرت به وحدت و ۴ اصل مربوط به آن، فضای تهی را به‌عنوان یکی از عناصر کالبدی، به جهت ایجاد وحدت در معماری می‌داند.

تحقیقات موجود حاکی از اهمیت معنای فضای تهی در حوزه معماری و معنای فلسفی در نظر ملاصدرا می‌باشد، ولی معدود مطالعاتی در زمینه برهم‌کنش تعاملات این دو حوزه بر یکدیگر به‌خصوص در زمینه تأثیراتش بر مخاطب، انجام شده است. لذا تحقیق حاضر بین‌رشته‌ای و از نوع کیفی با رویکرد تطبیقی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی انجام شده است. در بخش چارچوب نظری با نگاهی تحلیلی و محتوایی به بررسی معانی موجود در فضاهای تهی

معماری و آرای ملامصدرا در باب ادراک، پرداخته شده است. در بخش تحلیل داده‌ها براساس استدلال منطقی، انطباق ادراک معنای فضاهای تهی با آرای ملامصدرا صورت گرفته است، تا با هدف بررسی تأثیرات خودآگاه و ناخودآگاه، فضاهای تهی معماری بر مخاطب، جایگاه و اهمیت تجلی معنایی در فضاهای تهی روشن شود. پرسش اصلی این پژوهش این است: تأثیرات معنایی فضای تهی بر روی مخاطب چگونه است؟ و دیدگاه فلسفی ملامصدرا در باب ادراک، به چه نحوی با درک معنا در فضای تهی قابل انطباق است؟

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد معماری امروز به قدری دل‌بستهٔ جمال است که از کمال دست کشیده است و به همان نسبت از حکمت دور شده است. در نتیجه، به همان اندازه نیز از محتوی بازمانده است. فضای تهی، عامل ایجاد محتوای در معماری است. این فضا تجلی آن مفاهیمی است، که قابل روئیت نیستند اما وجود دارند. این مفاهیم، حقیقت معماری را تعریف می‌کند. حقیقت معماری قابل ادراک است، البته نه زمانی که کالبد را می‌بینیم، بلکه زمانی درک می‌شود، که با رخنه به فضاهای تهی و تجربهٔ آن از نزدیک، مفاهیم عمیق را بازشناسی می‌کنیم. درک فضای تهی در معماری منجر به تجربه‌ای معنوی می‌شود که مخاطب خود را آگاه به حضور فراگیر پروردگار می‌کند، و او را در مواجهه با حضور الهی قرار دهد. فضای تهی در معماری اسلامی به مانند سکوت معنادار هنرمند است. انسان گاهی هیچ نمی‌گوید، تا ثابت کند هیچ بودنش را. اینجاست که محل ظهور حضرت حق است، و محل ادراک مفاهیم. معمار ایرانی هر آن در پی ایجاد زمینه‌ای برای تأمل بوده است، تأمل و تفکری که در سکوت و فضاهای تهی ایجاد می‌شود، این تفکر گاه در کنج حیاط یک خانه کوچک ایجاد می‌شود و گاه در فضاهای تهی بین نقوش کاشیکاری زیر گنبد.

در مباحث پدیدارشناسانه ثابت شده است که فضاهای تهی می‌تواند رفتار و اندیشه افراد را تنظیم کند؛ معمار می‌تواند با ایجاد فرم‌های تهی و پر به صورت توأمان، معرفت و اندیشه مخاطب خود را بالا ببرد. در نظر ملامصدرا ماده را به دلیل امکان ذاتی بودنش، شایسته ادراک عمیق نمی‌داند؛ و در عالی‌ترین حد خود انتظار ادراک حسی را از آن دارد. البته ملامصدرا با عنوان کردن اصطلاح «وجود ادراکی»، ادراک را حاصل جمع ادراک‌شونده و ادراک‌کننده می‌داند؛ اما ماده را به دلیل عجین بودن با عدم، ناتوان در تجلی معنا می‌داند. با تطبیق آرای ملامصدرا با فضای تهی، می‌توان گفت: فضای تهی به دلیل مجردبودن از ماده و کالبد، امکان تجلی معانی و ادراک خودآگاه و ناخودآگاه را فراهم می‌سازد. در نظر وی، با حرکت ناظر در فضاهای تهی، تمامی مراتب حرکت از ظاهر تا باطن در مخاطب ایجاد می‌شود، و حرکت ناظر در معماری به نوعی تجسد سیر سلوک معنوی (کمال) است؛ که به دلیل غیرمادی بودن فضا صورت می‌پذیرد، و توجه آدمی را از ادراک اتفاقات غیرمادی بازمی‌دارد.

هنرمند سنتی از غلبه ماده بر مخاطب خود جلوگیری می‌کند؛ او چنان ماده را به کار می‌بندد که در میانه نقش خود فضایی تهی وجود داشته باشد که مخاطب خود را به تفکر وادارد، و از تشویش‌های دنیای بیرون به آرامش و خلوت فضای درون فراخواند، تا در این خلوت ستودنی به ذات و باطن خود بیشتر توجه کند، و آماده بالفعل شدن صفاتی الهی باشد، که در وی به امانت گذاشته شده است.

فهرست منابع و مآخذ:

قرآن کریم

- آشتیانی، سید جلال‌الدین. (۱۳۴۴). شرح مقدمه قیصری. مقدمه‌ای از هانری کربن و سید حسین نصر، مشهد: انتشارات باستان.
- آصفی، مازیار؛ شجاری، مرتضی و سلخی خسرقی، صفا. (۱۳۹۶). «حرکت تکاملی نفس آدمی در فضای مسجد برمبنای آرای ملاصدرا (نمونه موردی: مسجد کبود تبریز)». کیمیای هنر، شماره ۲۲، ۷۵.
- احمدی، فرهاد. (۱۳۹۳). فصل و وصل در معماری سنتی ایرانی. مجموعه مقالات تفسیر اثر هنری، تهران: فرهنگستان هنر.
- اخوان‌الصفاء. (۱۳۷۰). رسایل اخوان‌الصفاء و خلان‌الوفاء، المجلد الاول، فهرست الرسائل، بیروت: انتشارات الدار الاسلامیه.
- اسلامی، سید غلامرضا؛ شاهین راد، مهنوش. (۱۳۹۳). بازشناسی اصل افق‌گرایی در معماری اسلامی. مجموعه مقالات تفسیر اثر هنری، تهران: فرهنگستان هنر.
- امینی، مهدی. (۱۳۹۴). «ادراک حسی زیبایی از دیدگاه ملاصدرا و تبیین آن به‌عنوان معقول ثانی فلسفی». کیمیای هنر، شماره ۱۵، ۸۳.
- بدیعی، ناهید. (۱۳۸۱). جداره‌ها حریم وصل، رساله دکتری رشته معماری، استاد راهنما مهدی حجت، دانشگاه تهران. بلخاری، حسن. (۱۳۸۴). تجلی نور و رنگ در هنرهای ایرانی-اسلامی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- بمانیان، محمدرضا و عظیمی، سیده فاطمه. (۱۳۸۹). «انعکاس معانی منبعث از جهان‌بینی اسلامی در طراحی معماری». مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، شماره ۲، ۳۹.
- بمانیان، محمدرضا. (۱۳۸۶). «بررسی نقش خدامحوری در معماری مسلمانان». نشریه بین‌المللی علوم مهندسی، شماره ۵، ۳۷.
- پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۸۶). هنر و معماری از منظر شرق و غرب، اندیش‌نامه: مجموعه مقالات میان‌رشته‌ای شهر و معماری. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- رئیس‌زاده، مهناز. (۱۳۸۳). بیهوده سخن: ده مقاله در زیباشناسی و هنر معماری، تهران: نشر مولی.
- رئیس‌سمیعی، محمد مهدی. (۱۳۸۱). تأویل و کاربرد نظریه مراتب وجود در معماری، مجموعه مقالات حکمت متعالیه و فلسفه معاصر جهان. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- رهنورد، زهرا. (۱۳۸۹). حکمت هنر اسلامی. چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- چرخ‌چیان، مریم. (۱۳۹۸). «تداعی‌های ذهنی در شناخت شاخصه‌های معماری اسلامی». مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۵.

- حجت، مهدی. (۱۳۷۷). «ادراک فضا، مجله رواق». شماره ۱، سازمان صدا و سیما، تهران، ۱۷.
- شجاری، مرتضی. (۱۳۸۸). انسان‌شناسی در عرفان و حکمت متعالیه. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- صادق احمدی، مهدی. (۱۳۹۳). بنای محبوب. رواق نظر؛ ده مقاله در معماری، تهران: مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- صنعتی، سیده. (۱۳۹۳). حیاط، تقدیر نساخته‌ها، رواق نظر؛ ده مقاله در معماری. تهران: مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- طهوری، نیر. (۱۳۸۸). اصفهان: شهر زمردین، مجموعه مقالات حکمی هنری. به کوشش محمدجواد صافیان، تهران: فرهنگستان هنر.
- طهوری، نیر. (۱۳۹۲). ملکوت آیینه‌ها، مجموعه مقالات در حکمت اسلامی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ظفرنویسی، خسرو. (۱۳۹۶). «بررسی مفهوم عرفانی فضای تهی در معماری اسلامی ایرانی». مطالعات هنر اسلامی، شماره ۲۷، ۵۷.
- عبودیت، عبدالرسول. (۱۳۸۶). درآمدی به نظام حکمت صدرایی. تهران: انتشارات سمت.
- مددیپور، محمدرضا. (۱۳۷۴). تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- معمارزاده، محمد. (۱۳۸۶). تصویر و تجسم عرفان در هنرهای اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا (س).
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۶). مروری بر تفسیر معنایی معماری ایرانی به‌وسیله دانشمندان علوم انسانی، اندیش‌نامه: مجموعه مقالات میان‌رشته‌ای شهر و معماری، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- ملاصدرا، محمدبن ابراهیم. (۱۹۸۱م). الحکمه المتعالیه (اسفار اربعه). جلد ۱، ۳، ۴، ۶، ۷، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ملاصدرا، محمدبن ابراهیم. (۱۳۴۱). عرشیه. تصحیح و ترجمه غلامحسین آهنی، تهران: نشر مولی.
- ملاصدرا، محمدبن ابراهیم. (۱۳۷۵). مجموعه رسائل فلسفی صدرالمآلهین. تصحیح حامد ناجی اصفهانی، تهران: نشر حکمت.
- مافی‌تبار، آمنه؛ کاتب، فاطمه و حسامی، منصور. (۱۳۹۷). «خوانش تصویر از منظر تعامل ذهنیت و عینیت در ادراک دیداری (مورد مطالعاتی: دو تخته پارچه عصر قاجار)». کیمیای هنر، شماره ۲۷، ۲۳.
- محبوبی، قربان؛ مختاباد امرئی، مصطفی و عطار عباسی، مصطفی. (۱۳۹۵). «بازشناخت هست‌مندی همزیستی درون و بیرون معماری مساجد ایران (با تأکید بر روش فازی)». کیمیای هنر، شماره ۲۱، ۵۷.
- مومنی، ناصر. (۱۳۹۰). «ارزیابی رویکرد صدرایی و اشراقی به فرآیند دیدن». جاویدان خرد، شماره ۱۸، ۵۷.
- میرمیران، سید هادی. (۱۳۷۸). «جریانی نو در معماری ایران». مجله معماری و شهرسازی، شماره ۵۱ و ۵۰، ۴۰.

منتظرالقائم، اصغر؛ حافظ فرقان، زهرا. (۱۳۹۶). تبیین معانی نمادین عناصر معماری اسلامی عصر صفوی: آثار میدان نقش جهان اصفهان، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

ندیمی، هادی. (۱۳۸۶). کلک دوست، ده مقاله در هنر و معماری. اصفهان: سازمان فرهنگی هنری شهرداری.

ندیمی، هادی. (۱۳۹۳). رواق نظر؛ ده مقاله در معماری. تهران: مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری «متن».

نصر، سیدحسین. (۱۳۷۵). هنر و معنویت اسلامی. ترجمه: رحیک قاسمیان، تهران: انتشارات سوره، دفتر مطالعات هنر دینی.

نصر، سیدحسین. (۱۳۸۲). سه حکیم مسلمان. ترجمه: احمد آرام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

نقی زاده، محمد. (۱۳۷۹). «ویژگی‌های کیفی مسکن مطلوب (مبانی طراحی و روش‌های تحصیل آن)». مجله صفا، شماره ۳۱، ۹۰.

نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۴). مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی. جلد اول (مبانی و نظام فکری)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۹۲). تعاملی ادراکی انسان با ایده‌های فضایی-هندسی در معماری. تهران: انتشارات امیرکبیر.

نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۹۵). برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری. تهران: نشر کتاب فکرنو.

نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۹۷). حکمت اسلامی در فرآیندهای هنری و معماری، مجموعه مقالات مشترک ۲. قزوین: انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین.

ورکشی، حمیدرضا؛ رضانیا، حمیدرضا. (۱۳۹۰). «تبیین ارزش شناخت صدایی با نقد دیوید هیوم». جاویدان خرد، شماره ۱۹، ۱۱۱.

وکیلی، هادی. (۱۳۸۳). «عرفان و تفکر فازی». دو فصلنامه فلسفه تحلیلی، شماره ۲، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ۱۵۱.

Barthes, R. (۱۹۸۲). *L'Obvie et l'obtus*, Paris.

Eco, U. (۱۹۶۸). *Function and sign: semiotics in architecture, in the city and the sign: An Introduction to Urban Semiotics*, Gottdiener, M. and Lagopoulos, A. New York: Columbia University press.

Morris, C.W. (۱۹۷۱). *Writings on the General Theory, of Signs*, Mouton: Den Haag.

Nacipoglu, Guelru, Al-Asad, M. (۱۹۹۵). *The Topkapi scroll: Geometry and Ornament in Islamic Architecture*, Santa Monica: Getty Center for the History of Art and Humanities.

Pariser, David A. (۱۹۷۹). *Two Methods of Teaching Drawing Skills*, *Studi Studies in Art Education*, Number Three, ۳۰-۴۲.